

پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی، دانشگاه ولایت ایرانشهر
دوفصل‌نامه تخصصی، دوره دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۹۷-۱۰۴

بازخوانی عبارتی از هیربدستان در معنایی جدید

صبا لطیف‌پور*

کتایون مزداپور**

چکیده

ریشه اوستایی \sqrt{yaz} که معادل فارسی باستان آن \sqrt{yad} و معادل سنسکریت آن \sqrt{yaj} است، به گونه‌های مختلفی در زبان فارسی به زندگی خود ادامه داده است. با توجه به اهمیت و مفاهیم این ریشه و واژه‌های برگرفته از آن، می‌توان برخی ابهامات در خوانش‌های متون پهلوی را برطرف کرد. واژگان را به سبب ویژگی‌های پیچیده خط پهلوی می‌توان به صورت‌های متفاوتی برخواند. در مقاله حاضر به بررسی یکی از عبارات در متون پهلوی می‌پردازیم که با استفاده از این ریشه می‌توان به رفع ابهام آن کمک کرده و خوانشی برای آن پیشنهاد داد متفاوت با آنچه تا کنون در مورد آن ارائه شده است. با این خوانش نو معنای متفاوتی با خوانش پیشین از عبارت دریافت می‌شود و در نتیجه بخش مورد نظر از متنی که عبارت در آن قرار دارد را می‌توان به کلی متفاوت با معنای پیشین دریافت کرد.

واژه‌های کلیدی: یزسن، نیایش، ریشه واژگانی، یاد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه تاریخ، پژوهشکده هنر، فرهنگستان هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، sabalatifpour@gmail.com

** استاد گروه زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،

mazdapour@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌های معنایی^۱ که از دوران پیشین زبان‌های ایرانی به فارسی دری رسیده است، به ستایش و نیایش و شیوه‌های آن باز می‌گردد. در این حوزه، بهر کم، سه دوره متفاوت را می‌توان باز یافت. نخستین آنها، دوران باستانی و پیش از زرتشت است؛ از این دوران نشان‌هایی اندک در نوشته‌های زرتشتی بر جای مانده است. دوران دوم، نوشتگان و ادبیات زرتشتی است. در دوران سوم، ادب فارسی دری به معنای اخص آن و ادامه سنت مبتنی بر ورود اسلام و تأثیر قرآن و آثار اسلامی بر ادبیات دیده می‌شود. در این دوران اخیر است که کاربرد واژه‌های کهن در این حوزه شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

به‌طور کلی می‌توان گفت سابقه خوانش‌های مختلف از متون فارسی میانه به اولین قرائت‌های جدی از خط پهلوی در دوره معاصر بازمی‌گردد. خط پهلوی ساسانی، خطی بسیار گنگ و مبهم محسوب می‌شود و در آن یک علامت می‌تواند نشان‌دهنده حروف متعددی باشد، علاوه بر آن ترکیب حروف مختلف در یک کلمه نیز همین حالت را دارد و یک ترکیب ممکن است معرف کنار هم قرار گرفتن حروف متعددی باشد که گاه تنها با توجه به شناخت واژه و گاه با استفاده از محل قرارگیری واژه در متن و مفهوم احتمالی آن می‌توان یک واژه را آوانویسی و در پی آن معنا کرد. در نتیجه چنین وضعیت پیچیده‌ای در خط، طبیعی است که دانشمندان مختلف در بسیاری از اوقات بر سر خوانش یک واژه، یک عبارت یا یک جمله اتفاق نظر نداشته‌اند و آن را به صورت‌های مختلفی خوانده و تفسیر کرده‌اند؛ در کنار همه اینها، پیچیدگی خود متن نیز به سخت‌تر خوانده شدن واژه‌ها کمک می‌کند، در بسیاری از مواقع با متون فلسفی روبه‌رو هستیم که اندیشه‌های کهنی را بازتاب می‌دهند که برای ذهن امروزه ما ناشناخته است یا در قالب افکار امروزی ما تغییر شکل داده است.

هدف نوشته حاضر، ارائه خوانش جدیدی از یک عبارت در متن پهلوی *اندرز پوریوتکیشان* است. این خوانش با بهره‌گیری از سابقه باستانی واژه و مفهوم آن در گذشته و با نگاهی به تأثیر آن در فارسی نو و مفاهیم تازه صورت گرفته است.

واژه متمایزی که از این حوزه معنایی از دوران باستانی و میانه به دوران جدید رسیده است، در فارسی زرتشتی به صورت «یزشن» هنوز کاربرد دارد. فارسی زرتشتی زبان موبدان در دوران پس از اسلام است (آموزگار، ۱۳۴۸: ۱۷۲-۱۷۹) و از نظرگاه تداوم زبان‌های ایرانی همان فارسی دری است با واژه‌های خاص زرتشتی. در این گونه از زبان فارسی، واژه «یزشن» (yazishn) را بسیار می‌بینیم و این کلمه در زبان زنده زرتشتی نیز واژه‌ای رایج است. در قیاس فارسی زرتشتی با فارسی دری رسمی، بودن و نبودن واژه یزشن یکی از تمایزها است. واژه «یزشن» در دوران جدید بازمانده‌ای از yazišn زبان پهلوی

یا فارسی میانه است. در آثار زرتشتی این واژه با معنای کلی نیایش به کار می‌رود. معنای دیگری که از این واژه در فارسی استنباط می‌شود، نام مراسمی است از آیین‌های زرتشتی که طی آن خواندن متن *یسنا*، بخشی از *اوستا*، در حین اجرای آداب خاصی توسط موبدان انجام می‌شود. «یزشن» معادلی نیز در هند دارد که در زبان سنسکریت *yajña* و در هندی امروز *yagnam* یا *yadya* است. در هند نیز علاوه بر مفاهیم کلی واژه که مورد بحث قرار خواهد گرفت، مراسمی نیز با این نام وجود دارد. بررسی تاریخی این واژه به دریافت مفاهیم وابسته به آن و سیر تحولات این حوزه معنایی و نیز شناخت آیین‌هایی که طی زمان‌های مختلف با این نام برگزار شده‌اند، یاری می‌رساند.

واژه «یزشن» از ریشه اوستایی \sqrt{yaz} به معنی ستودن، پرستیدن و دعا کردن می‌آید (Modi, 1922: 266). این ریشه مفهومی چون قربانی کردن و فدیہ نثار کردن را نیز دربردارد (Bartholomae, 1904: 1274-1279). به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که در *اوستا* مقصود از \sqrt{yaz} گاو و گوسفند، ذبح نمودن آنها بوده است یا در راه خدا بخشیدن آنها (یشت‌ها، پور داود: ج ۱، ۲۱۷). در ادامه مطلب، بحث مفصل‌تری در این زمینه خواهد آمد.

معادل \sqrt{yaz} اوستایی، در فارسی باستان \sqrt{yad} است که این ریشه را نیز به همان معنای ستودن و احترام کردن گرفته‌اند (Kent, 1953: 204) و در کتیبه‌های فارسی باستان، صورتهای صرف‌شده آن بر جا مانده است. در کتیبه *h* خشایارشا در تخت جمشید (کتیبه دیوان)، فعلی از این ریشه (احتمالاً در معنی ستودن و پرستیدن) می‌آید و با آن ستودن و پرستیدن اهورامزدا در تقابل با دیوان دیده می‌شود؛ با مضمونی نزدیک به این: خشایارشا فرمود تا در سرزمین‌هایی که پیش از این دیوان پرستیده (؟) می‌شدند، از آن پس اهورامزدا پرستیده (؟) شود (Kent, 1953: 151, 204). در کتیبه داریوش در بیستون و نیز کتیبه‌های او در شوش در مواردی مشابه، افعالی از این ریشه، به کار رفته است (Kent, 1953: 142-204, 144). معادل \sqrt{yaz} اوستایی در سنسکریت \sqrt{yaj} است که معنی ستایش و نیایش یک خدا را می‌رساند و نیز معنی وقف کردن، تقدیس کردن، پیشکش کردن و ستودن یک ایزد با دعا و فدیہ را دارد (Lanman, 1963: 221)؛ اما نزدیک‌ترین معنایی که از این ریشه به ذهن متبادر می‌شود، قربانی کردن است. نظریه‌ای سنتی نیز وجود دارد که \sqrt{yaj} سنسکریت و \sqrt{yaz} اوستایی را با ریشه‌های بازسازی شده \sqrt{sag} یونانی و \sqrt{sak} لاتین و نیز واژه *sacer* به معنی مقدس مرتبط می‌داند؛ اما بنابر نظریه‌ای پذیرفته‌شده‌تر ریشه‌های \sqrt{yaj} و \sqrt{yaz} به ریشه باستانی \sqrt{yeg} باز می‌گردد.

تفاوت معنایی میان ریشه‌های فعلی ایرانی و هندی از این جهت قابل توجه است که \sqrt{yaj} سنسکریت بیشتر به معنی قربانی کردن است، اما \sqrt{yaz} اوستایی و نیز \sqrt{yad} فارسی باستان به معنی ستودن و احترام گذاردن به خدایان است و نه صرفاً قربانی کردن. \sqrt{yaj} ودایی به معنی نوعی قربانی کردن است که عنصری از جهان انسان‌ها را به جهان خدایان منتقل می‌کند و این‌گونه است که خدایان تغذیه می‌شوند. البته به نظر می‌رسد که فعل مورد نظر در *ودها* مفهومی گسترده‌تر از «قربانی کردن»

مهم‌ترین صفتی که از ریشه‌های مذکور گرفته شده است، -yazata اوستایی و yajata سنسکریت به معنی در خور ستایش و نیایش، پرستیده شده یا ستودنی است. این صفت بعدها در ودایی به صورت لقبی ثابت برای خدایان در آمد و در اوستایی به‌طور کلی به‌عنوان نام خدا به کار رفت. این صفت در ایران در زبان پهلوی به صورت yaz(a)d (MacKenzie, 1971: 97) و در فارسی به شکل ایزد و یزدان باقی ماند. در فارسی میانه یا پهلوی اشکانی و ساسانی و مانوی، مصدر فعلی که از ریشه \sqrt{yaz} مشتق شده، ššš tnn است (Dhabhar, 1949: 195). در پهلوی ساسانی که شامل پهلوی کتابی و کتیبه‌ای است، yasn به معنی ستایش و پرستش و ššš t نیز به همین معنی آمده است. در پهلوی اشکانی یا پارتی، واژه yyz با تلفظ yaz به معنی ستایش و نیایش کردن (Boyce, 1977: 103) و در فارسی میانه مانوی واژه ysn با تلفظ yasn، نیایش و ستایش^۱ معنی شده است (Boyce, 1977: 102) و واژه yzd با تلفظ yazd ایزد، خدا، معنی شده است (Boyce, 1977: 103). هزوارش مصدر یستن در فارسی میانه ساسانی یا پهلوی "YDBHUNT" است (Dhabhar, 1949: 193, 195). صورت zzz inn نیز به شکل هزوارش بسیار استفاده می‌شود. در فارسی دری نیز هنوز مصدر «یستن» کاربرد دارد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۸۲).

۳. \sqrt{yaz} در هیربدستان

در متن هیربدستان که مباحث آموزشی علم دین را در ادوار کهن به زبان اوستایی همراه با زند آن می‌آورد، در فصل (در) هجدهم و نوزدهم از دیوپرستان (اوستایی: -ēēīīīī issaa- پهلوی: nnnnnnnn؛ دیویسنان) یاد می‌کند (Hērbedestān: 78-82). در آنجا می‌بینیم که احتمال دارد به جای هیربدان مزداپرست، هیربدی دیویسن به آموزش/وستا و زند (در) هجدهم) پردازد و یا دیوپرستان و دیویسنان طلب علم و آموزش از هیربد مزداپرست کنند. مجازات هیربد دیویسن فقط پرداخت نکردن مزد آموزش و ندادن حق‌الزحمه به او است. به بیان دیگر، میان/وستا و زندی که در آن روزگار مزداپرستان و دیویسنان می‌آموخته‌اند، شباهت و همانندی بسیاری وجود داشته است. چنین شباهت و تفاوتی بی‌گمان بر تغییرات و اختلافاتی تاریخی در دورانی دوردست گواهی می‌دهد. این پرسش به میان می‌آید که دیویسنی و ستایش دیوان چگونه در تقابل با مزدپرستی و پرستش اهورامزدا قرار می‌گرفته است؟ خواهد آمد که در اندرز پوریوتکیشان (بند ۳) اسم مصدر aīīīī nn، در عبارت aaa aīīīī nn از این خانواده واژه‌ها ضبط شده است.

افزون بر آنچه گذشت، در فارسی، دو واژه «یسنا» و «یشت»، بر گرفته از \sqrt{yaz} ، در بسیاری مواقع یک معنی مشترک را می‌رسانند، هر دو این کلمات در مفهوم ستایش و پرستش و نذر و قربانی به کار می‌روند، شاید تفاوتی که می‌توان میان این دو واژه قایل شد این باشد که واژه یسنا با مفهوم عام نیایش به صورت اسم خاص برای یکی از پنج کتاب/وستا در آمده است و واژه یشت معنی خاص نیایش یکی از امشاسپندان را به خود گرفته و یشتها نام کتاب دیگری از/وستا است که هر پاره از آن را یشت گویند و

به ستایش آفریدگار یا یکی از امشاسپندان اختصاص دارد. این دو واژه که در پهلوی، *yasna* و *ššš t* هستند، در آن زبان نیز در بسیاری مواقع برای رساندن مفهومی مشترک به کار رفته‌اند.

واژه «یسنا» (*yasna*-) که در *اوستا* به‌طور کلی به معنی ستایش و پرستش است، گاهی با مفهوم هفت فصل *یسنا* یا «یسنا ی هپتنگه‌ایتی»^۱ به کار رفته است؛ اما در زمان‌های متأخرتر زرتشتی، زمانی که مراسم «یسنا» یا «یزشن» برقرار شد، «یسنا» به تمامی متنی که طی این مراسم خوانده می‌شد گفته شد (Reichelt, 1968: 168). گذشته از این، نام یشت بر خود یسنا هم اطلاق می‌شده است. مثالی از این کاربرد را در کتاب *یشت و نیرنگ* می‌بینیم، کتابی که به یزشن خوانی یا مراسم خواندن یسنا اختصاص دارد و مشخص است که واژه یشت به جای یسنا یا به عبارت بهتر در همان مفهوم به کار رفته است (مزدپور، ۱۳۸۶-۸۷: ۵۲۷). پانینو نیز با استناد به شواهد اوستایی پیشنهاد می‌کند که واژه *yasna* در سنت زرتشتی برای آن چیزی به کار می‌رفته است که امروز به آن *ššš t* گفته می‌شود (Panaino, 1994: 171). کلنز نیز اشاره می‌کند که در کتاب‌های فارسی میانه، واژه‌های *ššš t* و *zazinn* و *yasna* هر سه برای اشاره به مراسمی به کار رفته است که امروزه به آن یزشن یا یسنا گفته می‌شود و مواردی در *نیرنگستان* نیز تأیید می‌کند که این واژه‌ها کم و بیش معادل هم به کار می‌رفته‌اند (Kellens, 1998: 483). کریبروک نیز می‌نویسد که واژه *zazinn*، به شکل عام برای دامنه گسترده‌ای از اعمال نیایشی، از مراسم ساده‌ای چون درون تا مراسم پیچیده‌ای چون گاهنبارها به کار می‌رود. برای مراسم کنونی یزشن، در فارسی میانه معمولاً واژه *ššš t* به کار رفته است. واژه فارسی میانه *ššš t* به‌علاوه به‌شکل کلی به هر گونه مراسمی غیر از مراسم یزشن هم گفته می‌شود. واژه فارسی میانه *yasna* کمتر کاربرد دارد و معمولاً ترجمه مستقیم *yasna* اوستایی است گذشته از این که در برخی قسمت‌ها، واژه *yasna* همان معنی یشت را دارد (Kreyenbroek: 2008, 84). بنابراین به‌طور کلی با در نظر داشتن تفاوت‌های فوق در کاربرد دو واژه مذکور می‌توان گفت در بسیاری موارد این دو واژه، چه در فارسی و چه در پهلوی، در یک جایگاه و برای رساندن مفهومی مشترک و گاه به جای یکدیگر به کار می‌روند.

یکی از واژه‌هایی که با توجه به ریشه \sqrt{yaz} اوستایی و \sqrt{yad} فارسی باستان می‌توان در مورد آن بحث کرد اسم مصدر پهلوی *ayādišn* (با املای *'byd'd-nn*) است که آن را *ayāyišn* نیز می‌توان خواند. این واژه مشتق همراه با *dēw* به کار رفته است: *dēw ayāyišn* (اندرز پوریوتکیشان، بند ۳) (متن‌های پهلوی: ص ۴۲، س ۱۴). این ترکیب را به معنی یادآوری کردن دیوان و توجه به دیوان گرفته و آن را *ayādišn* دانسته‌اند و *ayāyišn* (یا *āyāyišn*) را در آن مشابه *ayāsišn* (با املای *'θyd's-nn*) (MacKenzie, 1971: 15) به معنی توجه کردن و به یاد آوردن. اما واژه *ayāyišn* را می‌توان به معنی ستودن، ستایش کردن و پرستیدن فرض کرد که با پیشوند *-ā/-a* از صورت بالانده‌ای از ریشه \sqrt{yad} ساخته شده است. با پذیرفتن چنین فرضی معنای عبارت‌های زیر روشن می‌شود:

1. *Yannō hapnññhättšš*

.....wwwwwwtan pad xwûûh ī ohrmazd ud amahraspandān dšštan ud az ahreman ud dēwān ud dēw-ayāyišj j ddā”

«... و خویشتن را به خویشی (و تعلق) اورمزد و امشاسپندان داشتن (از آن اورمزد و امشاسپندان به شمار آوردن) و از اهریمن و دیوان و دیویسنی/یاد دیو جدا بودن.»
در این بافت، جدایی از دیویسنی و ستایش و پرستش دیوان طبعاً بسیار متناسب‌تر از «یاد دیو» به نظر می‌رسد و با این خوانش ناهماهنگی ناشی از قرائت d’w ayādišn به معنای «یاد دیو» از میان می‌رود.

۴. نتیجه‌گیری

خلطی که در خوانش dēw ayādišn یعنی یاد دیو پیش آمده است، به‌ویژه ناشی از نگاه کردن از دور به بازمانده‌های جدال دیویسنان و مزدیسنان در آثار زرتشتی از فاصله چندصد سال است. ترکیب dēw aybdišn (۴) در رساله پهلوی موسوم به «گزیده اندرز پوریوتکیشان» آمده است که باید قدمتی شایان توجه داشته باشد و منسوب است به آموزگاران و دانایان نخستین و پیشین. این عهد با همان دوران کهنی که در آن نخستین پیشوایان دینی زرتشتی به تثبیت آموزه‌های زرتشت پیامبر در درون باورهای کهن‌تر و بخشیدن ثبوت به تعالیم کیش زرتشتی و رسمیت دادن به شکل نهایی آیین‌ها و باورهای دوران پیش از پیامبر در قالب عملی روزگار خویش می‌پرداختند، در تناسب است. پس با نگاه دقیق‌تری به کاررفت‌واژه‌های برساخته از ریشه فعلی مورد ذکر و بازمانده‌های آن در نوشته‌های پهلوی می‌توان دید که این ریشه دورنمایی از جدال‌های دینی را در دورانی کهن‌تر در خود نگاه داشته است. با آمدن اسلام به ایران، مرحله سوم از چنین تحولی را در واژه‌های بازمانده از این ریشه نیز می‌توان بازخوانی و تماشا کرد که به‌ویژه در حوزه معنایی واژه‌های بازگردنده به ستایش و نیایش، لغات عربی را نشانده‌اند. بر اثر چنین روندی است که اکنون واژه یزشن را جز در آثار وابسته به آیین زرتشتی نمی‌توان باز یافت و خود همین آیین یزشن حتی اینک در جامعه زرتشتی در ایران هم چندان برگزار نمی‌شود.

کتاب‌نامه

- آموزگار، ژاله. (۱۳۴۸). ادبیات زردشتی به زبان فارسی. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۷ (۱ و ۲).
ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۳). ماده‌های فعلهای فارسی دری. تهران.
پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشت‌ها (جلد ۱ و ۲). تهران: اساطیر.
پورداود، ابراهیم. (۱۳۸۷). یسنا (جلد ۱ و ۲). تهران: اساطیر.
متن‌های پهلوی، گردآورنده دستور جاماسپ جی - منوچهر جی جاماسپ آسانا. (با مقدمه‌ای از بهرام گور انکلساریا و دیباچه‌ای از ماهیار نوایی). انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
مزدایور، کتیون. (۱۳۸۶-۸۷). یادداشت درباره وندیداد فریدون مرزبان. نامه بهارستان، ۸ و ۹ (۱۳ و ۱۴).
تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، صص ۵۲۷-۵۲۸.

یسنا نک پورداود.

یشت‌ها نک پورداود.

- Bartholomae, C. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg.
- Benveniste, E. (1973). *Indo-European Language and Society*. London.
- Boyce, M. (1977). *Textes et Mémoires. A Word List of Manichaean Middle Persian and Parthian*. Acta Iranica, 9a.
- Dhabhar, B. N. (1949). *Pahlavi Yasna and Visperad*. Bombay.
- Hrrreeett::: eee *The Hērbedestān and Nērangestān*.
- Klllsss, .. ())))) Ciiii rrr ttiss rrr l'ii trrie ee l'Assst.. *Journal Asiatique*, 282(2).
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian (Grammar, Text, Lexicon)*. New Haven, CT.
- Kreeerrr GGGG GGGG)))))) BāāY Yssd ddd dt tttt tff ff Yššti in tee Zoroastrian Ritual. In M. J. Dehaghi (Ed.), *One for the Earth: Prof. Dr. Y. Mahyar Nawabi Memorial Volume* (pp. 81-94). Tehran.
- Lanman, C. R. (1963). *A Sanskrit Reader*. Cambridge, MA.
- Mackenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London.
- Modi, J. J. (1922). *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay.
- Panaino, A. (1994). *Philologica Avestica IV*. Studia Iranica, 23.
- Reichelt, H. (1968). *Avesta reader, Text, Notes, Glossary and Index*. Berlin.
- The Hērbedestān and Nērangestān*. (1992). Vol. I *Hērbedestān*. (F. M. Kotwal & P. Kreyenbroek, Eds. & Trans., J. R. Russel, Contrib.). Paris.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی